

تاریخ آزمون: ۱۴۰۲ / ۳ / ۱ مدت امتحان: ۷۰ دقیقه شماره صندلی: مهر آموزشگاه	باسمه تعالی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۴ دبیرستان غیردولتی دخترانه هدایت دوره دوم آزمون نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تعداد صفحه: تعداد سؤال:	نام و نام خانوادگی: امتحان درس: فارسی (۲) پایه: یازدهم رشته: انسانی - تجربی - ریاضی نام دبیر: پاکدامن، امامی، صادقی
تاریخ تصحیح: ۱۴۰۲ / ۳ / نمره: با عدد () نمره با حروف: () امضای دبیر:		
بارم	شرح سوالات	ردیف
۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵	الف) معنی و مفهوم ابیات و عبارات زیر را بنویسید: (۸ نمره) ۱,۱ - خروشید و زد دست بر سر ز شاه / که شاهان منم کاوه‌ی دادخواه یکی بی‌زیان مرد آهنگرم / ز شاه آتش آید همی بر سرم ۱,۲ - باید به مژگان رُفت از طور سینین / باید به سینه رُفت زین جا تا فلسطین ۱,۳ - ببین، لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست ۱,۴ - گر من نظری به سنگ بر، بگمارم / از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم ۱,۵ - بوالحسن بولانی گفت: این صِلَت، فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست. ۱,۶ - به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده، ایران کهن دید ۱,۷ - خاک گفت: من نهایت بُعد اختیار کردم، که قُربت را خطر بسیار است.	۱
۰/۲۵	ب) در سروده‌ی «از شعله، به خاطر روشنایی‌اش سپاسگزاری کن / اما چراغدان را هم که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، از یاد مَبَر.» منظور شاعر از «چراغدان» چه کسانی است؟ ج) با توجه به متن زیر، به سوالات خواسته شده پاسخ دهید: «مُطَوَّقَه به مسکن موش رسید کبوتران را فرمود که فرود آید. فرمان او نگاه داشتند و جمله بنشستند. و آن موش را زبرا نام بود، با دَهای تمام و خُرد بسیار؛ گرم و سردِ روزگار دیده و خیر و شرّ احوال مشاهدت کرده؛ و در آن مواضع از جهتِ گریزگاهِ روزِ حادثه صد سوراخ ساخته و هر یک را در دیگری راه گشاده. تیمارِ	

	آن را فراخور حکمت و بر حسبِ مصلحت بداشسته. مطوقه آواز داد که بیرون آی. زبرا پرسید که کیست؟ نام بگفت؛ بشناخت و به تعجیل بیرون آمد. چون او را در بندِ بال بسته دید، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی ها براند. »	
۰/۲۵	۱) در عبارت « کبوتران را فرمود که فرود آید. » ، کلمه‌ی « را » به چه معنایی به کار رفته است؟	
۰/۵	۲) نوع ترکیب‌های زیر (وصفی – اضافی) را مشخص کنید: الف) صد سوراخ : ب) آب دیدگان :	
۰/۵	۳) مفهوم کنایی عبارت « گرم و سردِ روزگار دیده و خیر و شرِّ احوال مشاهدت کرده. » را بنویسید.	
۰/۵	۴) عبارت « مُطَوَّقه آواز داد که بیرون آی. زبرا پرسید که کیست؟ نام بگفت؛ بشناخت و به تعجیل بیرون آمد. » چند جمله است؟	
۰/۵	۵) مفهوم کنایی عبارت « زهابِ دیدگان بگشاد » را بنویسید.	
۰/۵	د) مارهایی را که بر دوش ضحاک رویدند، مظهر چه خصلت‌هایی می‌توان دانست؟	
۰/۵	ه) منظور از قسمت‌های مشخص شده، چه کسانی است؟ به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها	
۰/۵	و) « تاگور در بند » ماهی در آب خاموش است و چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و پرنده در آسمان آواز می‌خواند / آدمی، اما خاموشی دریا و هیاهوی خاک و موسیقی آسمان را در خود دارد. « بر چه موضوعی تأکید داشته است؟	
۰/۲۵	ح) « قصه‌ی عینکم »، چه چیزهایی را نشانه‌ی تمدن و تجدد می‌دانست؟	
۰/۲۵	ط) ضحاک در داستان‌های ایرانی، مظهر چیست؟	
	قلمرو زبانی: (۷ نمره)	۲
۱/۵	الف) مترادف واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (فقط مترادف ۶ مورد کافیت.) بوالحسن بولانی و پسرش، اندک‌مایه ضیعتی دارند. به شهر اندرون، هر که بُرنا بُدند	

	صیاد پیش آمد و جال باز کشید و حبه بینداخت. دایی جان غلامرضا در تجدد افراط داشت. صدای سم سمند سپیده می آید زنخدان فرو بُرد چندی به جیب نباشم بدین محضر اندر گوا از آن دریای بی پایاب آسان	
۱/۵	ب (واژه های غلط را یافته و صحیح آن ها را بنویسید. (۶ مورد کافیهست.) کلاغ با خود گفت: از تجارب، برای دفع حوادث، صلاح ها توان ساخت. در وی شکاری بسیار بود و اختلاف صیادان، آن جا متواتر. قومی از کبوتران برسیدند و سر ایشان، کبوتری بود که او را مطوقه گفتندی و در طاعت و مطاوعت او، روزگار گذاشتندی. کبوتران چندان که دانه بدیدند، قافل وار فرود آمدند و در دام افتادند و صیاد خواست تا ایشان را در ضبط آرد. آن ها با تعاون یکدیگر گریختند و به نزد موش رفتند. موش با دیدن آن ها، از مطوقه اصل ماجرا را پرسید. او پاسخ داد: ما را قظای آسمانی در این ورته انداخت. موش شروع کرد به آزادسازی مطوقه؛ او به موش هشدار داد که چون یاران من حقوق مرا به طاعت و مناسحت بگذارند و به مؤنت و مضاجرت ایشان از دست صیاد بجستم اکنون بر من واجب است تا مواجب سیادت را به آدا رسانم.	
۰/۵	د (معنای واژه های مشخص شده را بنویسید. « دلیران میدان گشوده نظر که بر کینه اول که بندد کمر »	
۰/۵	ه (انواع وابسته ی پسین را در گروه های اسمی زیر، مشخص کنید. روز چهارم: کلاس درس:	
۰/۵	و (واژه های زیر در گذر زمان، دچار چه وضعیتی شده اند؟ برگستوان: سوگند:	
۱	ز (انواع پیوند وابسته ساز را در جملات زیر بیابید و زیر آن ها خط بکشید. (۴ مورد) آن چه بود که اول می گریختی و این چیست که امروز درمی آویزی؟ چون ابلیس، گرد قالب آدم برآمد، با خود گفت: «هرچه دیدم سهل بود، کار مشکل اینجاست، اگر ما را آفتی رسد از این شخص، از این موضع تواند بود. روز کی چند صبر کنید تا من بر این یک مشت خاک، دستکاری قدرت نمایم.»	
۱	ح (جمله ی زیر را به یک جمله با فعل مجهول تبدیل کنید. « زهرا درس می خواند. »	
۰/۵	و (در عبارات زیر، دو صفت بیانی بیابید. امیرمسعود بر بالای تخت جلوس کرده بود و در حالی که از جام زرینش آب می ریخت تا بنوشد خطاب به وزیرش گفت: بار این کاروان که به سمت خلیفه بغداد روان است، ظروف شکستی و پارچه های بافته از زر و سیم است. به سربازان بگو تا مواظب سلامت رسیدن بار به مقصد باشند.	

الف (« قاضی بُست » اثر کیست؟

۰/۲۵

۱ « باذل مشهدی ۲ « ابوالفضل بیهقی ۳ « نصرالله مردانی ۴ « نصرالله مُنشی

۱

الف (بنویسید در ابیات زیر، چه چیزی به چه چیز دیگر تشبیه شده است.

« درفشان لاله بر وی چون چراغی / و لیک از دود او بر جانش، داغی »

« نخست آن سیه روز و برگشته بخت / برافراخت بازو چو شاخ درخت »

۰/۵

ب (مفهوم کنایی عبارات مشخص شده‌ی زیر را بنویسید.

۱- « یکی محضر اکنون نباید نوشت / که جز تخم نیکی، سپهبد نکشت »؛ کنایه از :

۲- « معلم این بار سخت از جا در رفت. »؛ کنایه از :

۰/۵

ج (آرایه‌های خواسته شده در مقابل هر بیت یا عبارت را یافته، زیر آن واژه یا عبارت خط کشیده و اگر لازم است توضیح دهید.

۱- فلک باخت از سهم آن جنگ، رنگ / بُد سهمگین، جنگ شیر و پلنگ (تشخیص)

۲- همی برخروشید و فریاد خواند / جهان را سراسر سوی داد خواند (مجاز)

۰/۲۵

د (یک نمونه از ویژگی‌های نثر « قاضی بُست » را بنویسید.

۰/۵

ه (با توجه به بیت « نهان گشت کردار فرزنانگان / پراکنده شد نام دیوانگان » به سؤالات پاسخ دهید.

۱- پراکنده شدن نام، کنایه از چیست؟

۲- واژه‌ی « دیوانگان » استعاره از چه کسانی است؟

۱

و (در ابیات زیر، یک آرایه‌ی اغراق، یک استعاره، یک تشبیه و یک تشخیص را بیابید و بنویسید.

« به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده، ایران کهن دید »

« در آن دریای خون، در قرص خورشید / غروب آفتاب خویشتن دید »

۱

و (شعر حفظی :

جای خالی کلمات حذف شده را پر کنید.

دفاع از وطن، کیش است رسم مردانگی ست

مرا اوج عزّت، در توست به چشمان من، خاک توست.